

■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۶۱۵ ■ چهارشنبه ■ ۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

# ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
 مدیرمسئول: مهدی شفیعی
 سردبیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۳/۰۴ | آذان مغرب ۲۰/۰۷ | نیمه شب شرعی ۰۵/۱۵ | آذان صبح فردا ۴/۴۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۵

**امام حسن مجتبی(ع)**؛ همانا کسی که تو را در برابر عیب‌ها و کمبودها، هشدار دهد تا آگاه و بیدار شوی، بهتر از کسی است که فقط تو را تعریف و تمجید کند تا بر عیب‌هایت افزوده شود.
**إحقاق الحق، ج۱۱، ص۲۲، س۲.**

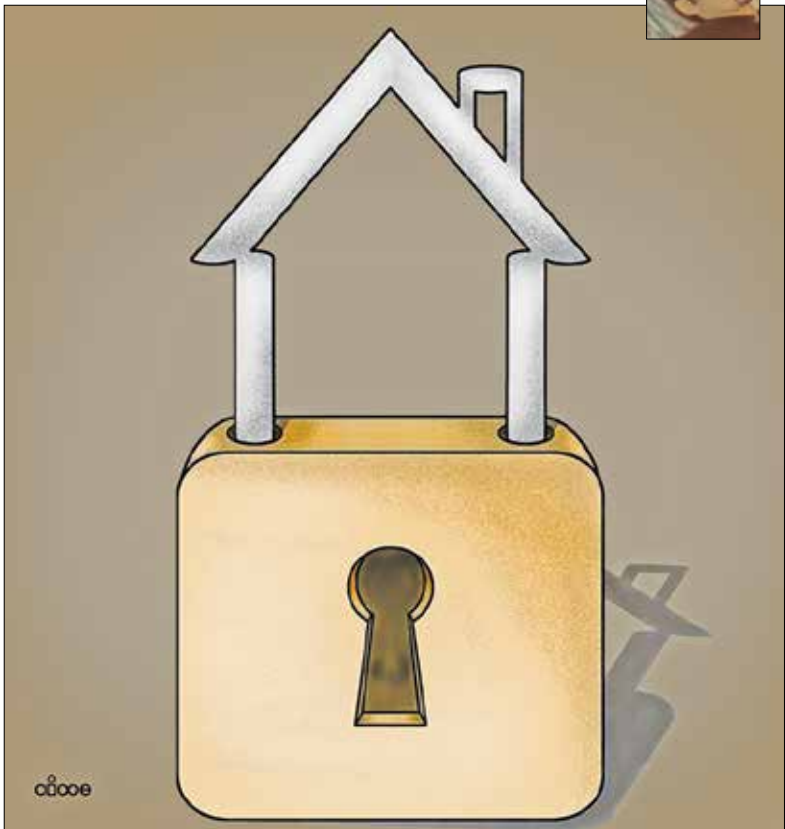
## سخن روز

## نگاره

نیما شاه میری



بازار مسکن قفل است



## #کرونا۱– هندی

وزیر بهداشت خبر داد که ۳

## هشتگ

کشور شناسایی شده و بلافاصله پس از آن هم خبر شناسایی ۵میتابه کرونا۱ هندی دربو شهر منتشر شد؛ خبرهایی که بازتاب زیادی داشتند و کاربران با نگرانی درباره‌اش می نوشتند. هرچند که بعضی نوشته‌ها کمی هم با طنز همراه بود. البته طنز تلخ؛ «نماندگی هرنوع کرونا۱ی را پذیراییم، با نمونه‌های مختلف عملی و میزان شیوع و قدرت کشندگی. از چینی و انگلیسی تا هندی و آفریقایی و بلژیکی- خدمات لاچگری نیز داریم اگر کورنا۱ی آزمایشگاهی داریم با ما تجربه کنید.» «خب ویروس کرونا۱ چینی و انگلیسی و برزیلی و احتمالا ایرانی داشتیم، حالا هم خبر رسیده کرونا۱ آفریقای جنوبی و هندی تازه رسیده.» «خود خدا مگر فقط به داد ما برسد»، «چه روز خوبی!» کرونا۱ هندی و آفریقای جنوبی با هم اومدند، «واسه اینکه بدونید توی هند چه خبر. تا قبل این موج آخر کرونا۱ هندی متوسط روزی ۱۰ هزار نفر مبتلا میشدن. اما دوشنبه، پنجمین روز متوالی بود که تعداد مبتلاهای هند ۳۵۰ هزار مورد بوده»، «کلکسیون کرونا در ایران کامل شد؛ سه مورد کرونا۱ آفریقای جنوبی و ۵ مورد کرونا۱ هندی کشف شده، البته معلوم نیست خطرناک‌تر باشن ولی بهر حال ما کلکسیون رو تکمیل کردیم»، «میهمان داریم چه میهمانی… ورود کرونا۱ هندی و آفریقایی رو خیر مقدم عرض می کنم…» «دو نکته درباره کرونا۱ هندی. اولاً این ویروس، به قدرت ابتلا و نه قدرت کشندگی‌ش نسبت به انواع قبلی، تفاوتی رو تا به امروز ثابت نکرده، پس بی جهت به خودتون

## فیلتر کلاب‌هاوس

اختلال در دسترسی به شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس و

## ماجرا

روزمَره کاربران ایرانی است. پس از اختلالی که در اپراتورهای تلفن همراه برای دسترسی به این شبکه اجتماعی ایجاد شد و پس از در نظر گرفتن جریمه برای این اختلال، دیروز کاربرانی از فیلتر شدن

کلاب‌هاوس با اینترنت

ثابت خبری می‌دادند و

اختلال در دسترسی به

کلاب‌هاوس با اینترنت

ثابت بعضی ISPها،

فرضیه فیلتر شدن

این شبکه اجتماعی را

تقویت کرد؛ «نه تنها

بر اساس مصوبه دولت روزانه ۵۰ میلیارد تومان از همراه اول و ایرانسل دریافت نشد، بلکه سایبر ISPها هم کلاب‌هاوس را فیلتر کردند» «هیأت وزیران تصمیم می‌گیرد اپراتورها را به خاطر ایجاد اختلال در کلاب‌هاوس به پرداخت جریمه محکوم کند؛ اپراتورها نه تنها از آن تهدید نمی‌ترسند که در نهایت، حلقه فیلترینگ تنگ‌تر هم می‌شود. اکنون کلاب‌هاوس در ایران رسماً فیلتر شده است.» «کلاب‌هاوس فیلتر بشه پس این همه کارشناس ناساوتحلیلگران ارشدانشیکده‌های مختلف جهان کجا سخنرانی کنن؟» «همراه اول کلاب‌هاوس رو مسدود کرده بود بعد اولنیماتوم رایتل هم مسدودش کرد!»، «کلاب‌هاوس روی اینترنت شاتل



عضو هیأت مدیره خانه تلانتاز از لزوم تأمین امکاناتی نظیر بیمه حقوق بیکاری و بازنشستگی برای دوران بیکاری باز بگران گفت.

# قهرمان فرهادی و فرهادی قهرمان

درست در روزگاری که سینمای ایران بیش از یک سال است که دست به‌گریبان بحران کرونا و باطبع بحران تولید و اکران و مخاطب است و روزهای دشوار و تلخی را سپری می‌کند باز هم اصغر فرهادی قاصد خبرهای خوبی می‌شود و کمی کام تلخ سینمای ایران را شیرین می‌کند. حضور آخرین فیلم او در جشنواره کن که اولین نمایش آن خواهد بود بار دیگر نام ایران و سینمای ایران را در سطح جهانی مطرح می‌کند و بر اعتبار آن می‌افزاید. در واقع این‌ نه فقط «قهرمان»

فرهادی که فرهادی قهرمان است که بواسطه جایگاه و اعتباری که در سطح بین‌المللی یافته به سینمای ایران در سطح جهانی اعتبار بخشیده و پرچم آن را بالا نگه می‌دارد. حضور سینما گران و فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های معتبر در شرایط کنونی یک امتیاز مضاعف محسوب می‌شود و کارکردی فرهنگی و اجتماعی دارد. در روزگاری که سینمای ایران بواسطه بلای کرونا دچار رخوت و رکود شده، اتفاقاتی از این دست همچون حضور فرهادی در جشنواره کن حتی می‌تواند یک اتفاق انگیزشی باشد و سینماگران ما را از افسردگی و ناامیدی نجات دهد. واقعیت این است که در جهان امروز فرهنگ برخلاف نظر مارکس، روبنا، بازتاب و انعکاسی از نظام معیشتی و اقتصادی نیست. فرهنگ خود به زیربنای نظم نوین جهانی بدل شده که حتی اقتصاد و مناسبات آن را نیز طبق معادلات خود صورت‌بندی می‌کند، به طوری که آنچه بر جهان امروز استیلا یافته اقتصاد فرهنگ است نه فرهنگ اقتصادی! در میان ابزارهای گوناگون فرهنگی شاید هیچ چیز به اندازه سینما در جهان تصویری امروز قابلیت و ظرفیت تبدیل شدن به دیپلماسی فرهنگی را نداشته باشد. امروز در علوم سیاسی این مسأله بشدت مورد توجه قرار گرفته

## یادداشت



رضا صانعی منتقد

## رادیو از شنونده الهام می‌گیرد

زمانی که رادیو در ایران آغاز به کار کرد در حقیقت کمک کرد تا مدرنیسمی که در ایران مطرح شده بود و تازه پا گرفته بود، نصبح بگیرد و جدی‌تر شود. اساساً رسانه در هر جای دنیا این خاصیت را دارد. و در هر مقطعی از تاریخ که کارش را آغاز کرده در کنار مدرنیسم بوده است.

رادیو رسانه‌ای با طراوت و گرم است. به این معنا که تبادل نظر با شنونده می‌کند، از شنونده به اندازه کافی خودش گل و بلبل هست، سرنوشت هم دلچسب‌تر است و بخصوص اینکه آسان یاب هم هست برای مخاطب و دسترسی به آن زحمتی ندارد. مخاطبان همان گونه که کار می‌کنند می‌توانند به رادیو هم گوش دهند و مانع کار نمی‌شود، به‌همین دلیل معمولاً همه جا رادیو روشن است. رادیو با مخاطب همراه است؛ چه بانوانی که در خانه مشغول آشپزی هستند و چه افرادی که با ماشین تردد می‌کنند، بدون هیچ زحمتی رادیو گوش می‌کنند. به همین خاطر فراگیری گسترده و آسان بودن و حتی بدون هزینه بودن بین مردم همه گیر شد. البته اوابل که رادیو آمد به خاطر اینکه رادیو دستگاه بسیار بزرگی بود دسترسی به آن آسان نبود. نه تنها بزرگ بود بلکه با باتری کار می‌کرد و از سوی دیگر حمل‌ونقل آن آسان نبود. مردم پای رادیو می‌ننشستند. حتی آنهایی که رادیو داشتند به خانه همسایگان رادیو دار می‌رفتند و به رادیو گوش می‌کردند. وقتی تلویزیون آمد و آغاز به کار کرد، در ابتدا مردم فکر کردند که رادیو آخر وسایل ارتباط جمعی است اما وقتی تلویزیون به میان مردم آمد،



رادیو همچنان به قوت خود باقی ماند و از محبوبیتش کم نشد، چراکه از طریق رادیو هم به اخبار، مسائل روز دسترسی داشتند و هم به مقدار کافی موسیقی در اختیارشان بود. موسیقی ایرانی و انواع موسیقی‌های دیگر و این خود جذابیت بسیاری است که رادیو به‌خوبی از آن استفاده می‌کند و در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. رادیو در طی این سال‌ها به کار خود ادامه داده است، اغراق نیست اگر بگوییم که ارتباط مردم با رادیو بسیار نزدیک‌تر از تلویزیون است. گویی که مردم با تلویزیون کمی رودریاستی داشتند اما با رادیو بسیار خوب ارتباط برقرار کردند. در این سال‌ها رادیو برقرار بوده و همچنان هم خواهد بود.

## عکس نوشت

این دوره از حراج ساتیپز به آثار هنرمندان از اختصاص دارد که در طول قرن‌ها نادیده گرفته شده‌اند. این حراج از ۲۰ تا ۲۷ مه (۳۰ اردیبهشت تا ۶ خرداد) به‌صورت آنلاین و در لندن برگزار می‌شود و آثار هنرمندان قدیمی و معاصر مانند هنرمند هلندی ریچل رویش، دام لورا نایت انگلیسی و ریچل وایت‌رید که برنده اولین جایزه نر ترنر شد به فروش گذاشته می‌شود.

## ایرج راد: بیکاری باز بگران پیر و جوان ندارد

وقتی موضوع حمایت از هنرمندان از کار افتاده به میان می‌آید ذهن‌ها به‌سوی هنرمندان سالخورده سوق پیدا می‌کند. این در صورتی است که این موضوع پیر و جوان ندارد. بسیاری از هنرمندان هستند که نه باجایی قرارداد دارند و نه از دولت حقوق مالهانه می‌گیرند، وقتی پروژه‌ای که مشغول آن هستند تمام می‌شود دیگر امکان انجام کار جدیدی برایشان پیش نمی‌آید و به قول معروف دستشان جایی بند نیست، جوان‌تراها حقوق ایام بیکاری ندارند و کهنسالان نیز حقوق بازنشستگی نمی‌گیرند، بنابراین باید فکری اساسی برای دوران بیکاری هنرمندان بویژه باز بگران کرد، ضمن اینکه تأمین معیشت امروز هنرمندان از کار افتاده تنها بخشی از مشکل است و ما باید به فکر روزهای بعد از گرونا۱ این قشر آسیب‌پذیر هم باشیم.

عضو هیأت مدیره خانه تلانتاز از لزوم تأمین امکاناتی نظیر بیمه حقوق بیکاری و بازنشستگی برای دوران بیکاری باز بگران گفت.

که افتخارات فرهنگی، هنری و ورزشی به قدرت سیاسی یک کشور در عرصه بین‌المللی افزوده و وزن سیاسی آن را زیاد می‌کند. ضمن اینکه امروزه حتی در عرصه سیاسی نیز افکار عمومی و ذهنیت مردم جهان از هم به‌عنوان بالاترین قدرت سیاسی شناخته می‌شود که می‌تواند تأثیر زیادی بر مناسبات بین‌المللی بگذارد. پیش از فرهادی کسانی مثل کیارستمی و مجید مجیدی هم با درخشش در عرصه‌های بین‌المللی موفق شدند فارغ از افتخارات سینمایی – هنری بر اعتبار سیاسی ایران در جهان بیفزایند. همین که نام ایران در رسانه‌های کشورهای مختلف دنیا با راجع به موفقیت‌ها و افتخاراتش برده می‌شود یک سرمایه اجتماعی جهانی به وجود می‌آید که نمی‌توان ارزش و قدرت آن را در مناسبات سیاسی بین‌المللی دست‌کم گرفت. موفقیت‌ها و موفقیت سینماگران و هنرمندان دیگر در جشنواره‌های مختلف جهانی، واجد ظرفیت به‌عنوان یک فرساینمایی است که باید متوجه آن بود و تلاش کرد از این ظرفیت به‌عنوان یک دیپلماسی فرهنگی حسن استفاده را کرد. ممکن است در داخل یا از منظر نقد سینمایی به فیلمی اشکال وارد کرد یا آن را دوست نداشت، اما وقتی آن اثر در عرصه جهانی صاحب رتبه و مقامی می‌شود افتخار و اعتبار آن برای همه ملت ایران بوده و یک افتخار ملی به حساب می‌آید. حالا نه فقط شاهد حضور قهرمان فرهادی در جشنواره کن که شاهد حضور قهرمانانه او در سینمای جهانی هستیم که اعتبار سینمای ایران را تضمین می‌کند. ضمن اینکه با برانگیختن کنج‌کاو و هیجان ایرانیان برای موفقیت آن، به نوعی به احیای دوباره مخاطب ایرانی و توجه او به سینما منجر می‌شود. قهرمان نه‌همین فیلم بلند فرهادی است که در شیراز و با حضور امیر جدیدی، محسن تنابنده، فرشته صدرعرفانی، سارینا فرهادی و جمعی دیگر از بازیگران فیلمبرداری شد. قهرمان یک فیلم با درون‌مایه معمایی است اما همان‌طور که در گزارش و رایتی هم بدان اشاره شده، هنوز کسی داستان این فیلم را نمی‌داند.

## فضیلت یک روحانی، شنیدن است نه گفتن

وقتی خانم حنان معلوف، روزنامه نگار شاخص لبنانی به سال ۱۳۴۲ خورشیدی در برابر امام موسی صدر نشست تا با او در باب مسائل روز گفت‌وگو کند توانست در پایان مصاحبه خویشتنداری کند و اعجاب خود را در قالب یک شبه سؤال نگنجاند: «احساس می‌کنم شما با دیگر روحانیان فرق دارید؛ می‌توانم چیزی را که در ذهنم می‌گذرد بدون هیچ تردید و خجالتی بر زبان بیاورم.» انکار سؤال بر زبان نیامده خبرنگار کاردان و استخوان ترک‌اندۀ روزنامه النهار این بود که مایه تمایز شما از دیگر روحانیان چیست. امام جوان و چشم روشن که سؤال مستتر میهمانش را گرفته بود فرصت را مغتنم دانست تا به یکی دو نکته کوتاه اما به غایت مهم اشاره کند. او در پاسخ می‌گوید: «من تلاش کردم آنچه را درون مخاطب یا پرسشگر یا شنونده می‌گذرد، مثل شک‌ها و سؤالات و اعتراض‌ها بفهمم بدون آنکه مهابت و شأن خاص خود را بر او تحمیل کنم». صدر، انگار از زرده و ردیفی از روحانیان سراخ می‌گیرد که هنرشان نه «گفتن» بلکه «شنفتن» است. توگویی تشخیص داده است که مطالبه مردم دیندار، یافتن یک روحانی گشوده دل است تا محرمانه در گوشش از تردیها و طغیان‌های باطنی خود بگویند و از خشم و هیبت اش ترسی نداشته باشند. امام موسی صدر به تأسی از سنت نبوی و علوی، نام این روش و رویه را گذاشته بود «دعوت». او دین را اساساً از جنس دعوت می‌دانست؛ دعوتی که در خدمت زندگی خوب و خوش و ارزشمند است.

«نای ونی» با عنوان فرعی «جستارهایی درباره اسلام، انسان، لبنان، مقاومت» کتابی خوشخوان از مجموعه منشورات سلیقه‌مند مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر است. این مؤسسه شریف، مدتی است آثار پرماینده از امام را در قالب‌هایی چشم نواز و پیراسته بازاریابی و تدوین کرده است. تهیه، تنظیم و ترجمه «نای ونی» به اهتمام زنده یاد علی حجتی کرمانی بوده که خود از قاتلان و مروجان نظریهٔ اسلام به عنوان یک دعوت است. این کتاب در سه فصل فراهم آمده که هر فصل متضمن مطالب و مقالات متنوع است. بداعت‌ها و نوآوری‌های یک روحانی نواندیش در تمام مقالات این اثر قابل تشخیص است. چه آنجا که فرقه‌های دینی را «دروازه‌های تمدن» می‌نامد؛ چه آنجا که با نهایت انصاف و حقیگرایی، شأن شایان هانری کرین

در بازآفرینی سنت حکمی شیعه را تحلیل می‌کند؛ و چه آنجا که از شادمانی به‌عنوان شاخص نمایان زندگی مؤمنانه سخن می‌گوید.

امام موسی صدر به گواه آثار ارزشمندش مصداق روشن و کامیاب و محبوبی برای نظریه «اسلام به‌عنوان دعوت» است؛ نظریه‌ای که دین را برای انسان و در خدمت زندگی می‌داند و بر سر هر انسان فارغ از فرقه و تبار و نژاد و طایفه‌اش تاجی همیشگی از کرامت می‌بیند؛ لازمه چنین نگرشی به دین، گشودگی در برابر جهان‌های موازی است، همنشینی و همراهی با اضطراب‌ها و هراس‌های مقدس و جاودانه آدمیان است؛ گوش سپردن به زوزه بادهای تردید و تزلزل در جان فرزندان آدم است.

- نای ونی**
- تهیه و ترجمه: علی حجتی کرمانی**
- مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر**



## دعای روز پانزدهم

ماه مبارک رمضان

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِیْ فِیْهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِیْنَ وَ اَشْرَحْ فِیْهِ صَدْرِیْ بِبَآئِبَةِ الْمُخْطِیِّیْنَ بِأَمَانِکَ یا اَمَانَ الْخَافِیِّیْنَ

خدایا در این ماه طاعت فروتنان را نصیب کن و سینه ام را برای انابه همانند بازگشت خاضعان باز کن به امان دادنت، ای امان ده هر اسندگان.

## روز پانزدهم ماه رمضان

## برای تولد امام حسن (ع)

صدای شادی گنجشک‌های نیمه ماه رمضان به گوش می‌رسید؛ گل‌های سرخ به تبسم می‌نشستند و دستی از غیب، پرده شب را کنار می‌زد. آنگاه تو زاده شدی.

...و تو آمدی از زلال‌ترین سمت آسمان.

از سمت شکوفاترین گل‌های صبر و صلح و سخاوت.

...و تو آمدی ای آن که در ضمیر نامت نوشته‌اند: «کریم اهل بیت».

ای آیینۀ حُسن الهی ای حُسن!

چه سخت است برای کسی که در شجاعت سرآمد باشد، اما برای برقراری

پرچم شیعه؛ پای صلح‌نامه را امضا کند.

حالا ای کسی که سکه کرامت و بزرگی را به نام تو زده‌اند؛ امروز با زبانی روزه، کوچه‌ها و خیابان‌های‌مان را به نامت آذین بسته‌ایم و از تو می‌خواهیم مهربانی‌ات را از ما دریغ نفرمایی.

## دانشنامه ای در کرامات مجتبیوی

غربت حضرت سیط اکبر، نخستین نواده گرامی پیامبر، امام مجتبی قصه‌ای تلخ و جانسوز است، «کز هر کسی که می‌شوی نامکر است».

سفره دار مدینه که در میان همان مردم غرب ماند و چه می‌گویم؟ حتی در خانه اش طعم تلخ غربت را چشید؛ و با این همه صورانه بر آرمان هایش پای فشرد و بر نگاهداری سنت‌های صحیح نبوی در برابر تحریف‌ها ایستاد و «جان بر سر آرمان نهاد و جادو شام».

این یادداشت مختصر را مجال ثبت آن همه لحظات شکوهمند نیست، بدین روی به نکته‌ای بسنده می‌کنیم و بس.
جان پرور است قصه ارباب معرفت رمزی برو پیرس و حدیثی بیا بگو

در این یادداشت می‌خواهم کتابی را به طور مختصر بشناسانم که برای مطالعات مرتبط با امام مجتبی علیه السلام پژوهشگران را به کار می‌آید و برابند تلاش دو پژوهشگر شیعی و سنی، یکی از قرن ششم و دیگری از قرن پانزدهم است.

«تاریخ مدینه دمشق» کتابی مفصل است که «ابن عساکر» (۵۷۱ – ۴۹۹ قمری) تاریخ نگار دمشقی شافعی مذهب نوشته و در طول ۹ قرن گذشته همچنان به عنوان کتابی مرجع در خدمت پژوهش‌های تاریخی بوده است؛ بخش‌هایی از این کتاب به‌دلیل ارتباط پنج امام معصوم شیعه، ایزالمؤمنین تا امام باقر علیهم السلام با تاریخ شهر دمشق به این بزرگواران اختصاص دارد؛ تمام این مجلدات به تحقیق محقق فقید مرحوم شیخ محمد باقر محمودی منتشر شده است، اما در مورد دو بخش از آن تلاش دیگری از سوی علامه شیخ محمد رضا جعفری نجفی (۱۳۵۰ – ۱۴۳۱ قمری / ۱۳۱۰ – ۱۳۸۹ شمسی) انجام شده که شایان توجه است.

محقق فقید مرحوم جعفری نجفی از ستارگان درخشان حوزه کهنسال نجف بود که نیمه دوم عمر پربار خود را در تهران (وبخش اندکی در قم) گذراند؛ از آن دانشور کم نظیر که رسانه گریزی و پیرکاری شاخص اصلی کارهای علمی‌اش بود، هزاران ساعت جلسات درس بر جای مانده است و بجز آن، برخی از کتاب‌هایش که بر اساس یادداشت‌ها یا درسگفتارهایش تنظیم و تدوین شده، در زمینه تاریخ اسلام و علم کلام، نوآوری‌های شگفت انگیز دارد؛ خوشبختانه در سال‌های اخیر عمر، با تأسیس «بنیاد فرهنگ جعفری» در قم (سال ۱۳۸۳) امکانی برای نگاهداری بخشی از ثمرات علمی ایشان فراهم آمد. بدین روی، چندین کتاب از آثار ایشان توسط بنیاد یادشده منتشر شده است؛ یکی از آثار علامه جعفری نجفی تعلیقات و استدراکات بر بخش امام حسن علیه‌السلام از تاریخ دمشق ابن عساکر است. اصل کتاب تاریخ دمشق، ۴۱۹ حدیث یا خبر در باره زندگی فردی، اجتماعی، عبادی، فرهنگی و فضایل ولای آسمانی حضرتش در بر دارد که البته مانند هر کتاب تاریخی دیگر، باید با دیده نقادی خواند و دید، اما مرحوم جعفری با بهره‌گیری از متون حدیثی، تاریخی، ادبی و دیگر منابع اهل تسنن که حدود ۱۱۰ منبع کهن را شامل می‌شود، بیش از هزار حدیث و خبر دیگر به تناسب مطالب متن ابن عساکر به کتاب افزوده است. این افزوده‌ها در پانویس درج شده تا متن با تعلیقات درنیا‌میزد و حیظه مسئولیت هر دو پژوهشگر مشخص شود؛ کثرت تتبع حیرت آور مرحوم جعفری تا آنجا است که گاهی برای تکمیل مطلب متن ابن عساکر، بیش از دویست خبر و گزارش تاریخی ذیل یک خبر او می‌افزاید.

بدین سان با دانشنامه‌ای روبرو هستیم که دست توانمند دو محقق از اقالیم قبله در خلق آن مهیم بوده اند؛ ابن عساکر، تاریخ نگار شافعی مذهب قرن ششم از یک سوی و شیخ محمد رضا جعفری نجفی تاریخ پژوه شیعی قرن پانزدهم، از سوی دیگر.
جوانب مختلف این کتاب – که در واقع دو کتاب در کنار هم است – در این یادداشت مختصر نمی‌گنجد. تنها به بیان این مطلب بسنده می‌شود که؛ در وافتسای کمبود منابع ارزشمند مرتبط با تمام معصومان پاک، بویژه امام مجتبی علیه السلام (که دست سیاست اموی و عباسی هر چه توانست، در کتمان و تحریف حقایق مربوط به حضرتش گشود) دستیابی به چنین دستاوردی فرصتی مغتنم برای اهل تحقیق است.

«ترجمه الامام الحسن بن علی من تاریخ مدینه دمشق» نوشته ابن عساکر با تصحیح و استدراک علامه شیخ محمد رضا جعفری در سال ۱۳۳۷ قمری / ۱۳۹۵ شمسی در ۶۷۸ صفحه توسط بنیاد فرهنگ جعفری در قم منتشر شده است.